

با جشنواره تئاتر فجر

شب دیوان غربی وشرقی

● **رضا آشفته**؛ شامگاه جمعه نهم بهمن، شبی دیگر از جشنواره سی‌وچهارم با درخشش دو نمایش «خانه‌ای از آسیا» کار آگروپاسون سنور سرتاو از اسپانیا و «چشم برهم‌زدن» نوشته و کار محمد زیگساری از ایران رویه‌رو شد. البته در این شب همچنان «هملت» از آلمان درخشش مجددی داشت.

برده‌اول

خانه‌ای در آسیا نمایشی درباره جنگ و تروریسم است و البته ریشه‌یابی این موضوع بر سر مسئله کشف خانه‌ای در اطراف اسلام‌آباد است و این می‌شود پایه و اساس شکل‌گرفتن دو خانه دیگر که یکی در ایالت کارولینای شمالی در آمریکا و یکی هم در اردن است و... این خانه رمزآمیز محل استقرار فردی به نام جرومینو است. این نام هم به‌نوعی رمز و نشانه است و درواقع برگرفته از نام مبارز سرخ‌پوست و سردسته آباچی‌هاست که سال‌ها با استعمارگران آمریکا و مرکز جنگید و سرآخ دستگیر شد و در تبعیدگاهی بعد از سال‌ها اسارت با بیماری سل از پای درآمد و مبرد. نمایش از برخورد چند تکنیک ایجاد می‌شود. گاهی بازی‌سازان خود نیز نقش آفرینی می‌کنند و مثلا با گذاشتن کلاه و گرفتن فیکور در جاهای مختلف، نمایانگر شخصیت‌ها و برخی از اتفاقات هستند. بخش عمده‌ای نیز روی ماکت‌ها و با عروسک‌های کوچک نمایان می‌شود. یک بخش هم تصاویر ویدئویی است که برگرفته از فیلم‌های سینمایی مانند آباچی‌ها و موبی دیک است و بخشی هم تصاویر مستند جاهای مختلف است که در این روایت بر فهم و شکل‌گرفتن فضا تأثیرگذار است. بنابراین ابزار و امکانات طوری سمت و سو می‌گیرد که هم درام شکل بگیرد که بسیار هم روایی و حماسی است و هم در خلق فضا موقعیت‌هایی ایجاد و در عین حال ارتباط‌گرفتنی با خانه‌ای در آسیا نیز ممکن شود. «چشم برهم‌زدن» نمایشی تلفیقی با بستر واقع‌گرایانه‌ای است که در آن تجربه متافیزیک ما را به سوی سوررئالیسم برتاب می‌کند. بعد هم در آن مواجهه با عناصر طنز و وحشت، فضای هولناک و دلهره‌آوری را می‌سازد که شبه گروتسک است. همه اینها به شکل موجهی دارند ترکیبی از روایها و واقعیت‌ها را در مدار زندگی به هم کره می‌زنند و تبدیل به باوری قریص و محکم خواهند شد که در آن انسان مظلومانه و بی‌گناه با کمترین‌ها احساس خوشبختی می‌کند و نهایت لذت را از آن می‌برد. اما دسیسه‌گران و قدرت‌مداران هستند که با زور و ستمگری وضعیت زندگی را برهم می‌زنند. محمد زیگساری دوست دارد ما را از منظر کودکانه و فانتزی به رویاوبی با موقعیت‌های شیرینی رودرو کند که درنهایت در دل این شیرینی‌ها تلخی ناگواری چشاند و تراژدی جنگ چیره می‌شود بر همه حس و حال موجود در آن. شاید حضور اوشین در این نمایش است که دلیلی برای رجوع به فضای طنز را به توجیه می‌کند و اینکه این زن فضای طنزی را بر اثر می‌دماند و باعث شیرینی لحظات و آن حس نوستالژیک خواهد شد.

برده‌دوم

یکشنبه را باید شب دیوان غربی و شرقی محسن حسینی نامید. کارگردانی که واقعا در حقش در این سال‌ها اجحاف شده است. او چهار سال پیش با نمایش آنتون آرئو در جشنواره فجر حضور داشت که بعدا هم اجازه اجرای عمومی نگرفت. هنرمندی که تجربه تئاتری‌اش ریشه در سنت‌های نمایشی در آلمان دارد و دانش آموخته آن کشور است و بسیار با سخت‌گیری و نظم، نمایش را در مرحله تولید و تمرین به نتیجه می‌رساند، در آخرین کارش هم پنج تابلو را به نمایش می‌گذارد که در آن کرئوگرافی و نمایش، درهم آمیخته‌اند و ما تأثیر گوته را در آن به شکل مشهودی احساس خواهیم کرد. در عین حال حضور محسن حسینی و رویا نونهالی نیز در این نمایش مثال‌زدنی است. همچنین در این شب، نمایش داستان‌های میان‌رودان علی شمس که دانش‌آموخته ایتالیااست مثال‌زدنی است. او سال گذشته با بازیگران ایتالیایی نمایش درخ‌ور تأمل قلعه انسانان را به جشنواره آورده بود و بسیار هم حرف برای گفتن داشت. اما امسال در این نمایش، بازیگران حرفه‌ای پایتخت نقش‌آفرینی می‌کنند همانند آرش فلاحت‌پیشه، فرزین محدی و... علی‌اصغر دشتی هم با متاستاز حضور دارد که باز هم نمایشی متفاوت و درخور تأمل است که باید حتما آن را دید. حتی اگر در جشنواره هم نشد، در ادامه اجراهای عمومی‌اش آن را حتما ببینید. فاجعه هم از همین گروه اسپانیایی است که حتما در این شب حضور تأثیر‌گذاری خواهد گذاشت!



کیوان کتیریان

خانم فاطمه معتمدآریا، بانوی ارجمند چند شب پیش، یکی، دو روز بعد از آن برخورد عجیب و غریبی که در کاشان با شما شد، سوار تاکسی بودم. راننده، مرد میانسال و جالفاده‌ای بود. بعد از آنکه مکالمه تلفنی مرا شنید شغلم را پرسید. وقتی فهمید به سینما مربوطم، سر درددلش باز شد و از ماجرای کاشان پرسید. جالب آنکه او از من جزئیات را بیشتر می‌دانست. گفت که: «آقا مگر آنها چند نفرند؟ اینجا

سحر آزاد:

یک نمایشگاه گروهی نقاشی و چیدمان برگزار نشد اما این‌بار نه خبری از تیروهای دلواپس بود، نه لغو مجوز، هرچه هست روایت‌های چندگانه‌ای است که هریک از طرفین در توضیح ماجرای پیش‌آمده بیان می‌کنند. قرار بود نمایشگاه «هرگز زنی را نمی‌شناختم» با آثاری از احسان برآبادی، ستاره بهبهانی، نگار فدایی، صنم قربان‌زاده و امید معصومی در زمینه نقاشی و چیدمان از جمعه، دوم تا یازدهم بهمن در گالری نات واقع در ساختمان مؤسسه پرشش برگزار شود اما این نمایشگاه برگزار نشد و آثار نمایشگاه قبلی روی دیوار باقی ماندند. با این حال دلیل برگزاری آن یک روایت ندارد. هریک از طرفین ماجرا مانند هنرمندان شرکت‌کننده، کیوریتور (نمایشگاه‌گردان) و مسئولان گالری، داستان خود را تعریف می‌کنند.

ستاره بهبهانی، یکی از نقاشانی که قرار بود در این نمایشگاه حاضر شود، هفته گذشته در روند چگونگی جریان پیش‌آمده به «شرق» گفت: «پنج، شش ماه قبل آقای شاهین محمدی با من تماس گرفت و گفت قرار است نمایشگاهی را کیوریت کند و فهرستی از افراد دیگری هم، که برای این نمایشگاه در نظر گرفته بود، اعلام کرد. من، آثار و نمایشگاه را برخی از آنها را دیده بودم».

او در پاسخ به اینکه دلیل انتخابش برای این نمایشگاه چه بوده است، عنوان کرد: «کیوریتور به من گفت آثارم را دنبال کرده است. ضمن اینکه مقاله‌ای در مورد کارهایم در انگلستان منتشر شده بود، موضوع کارهای من هم در مورد زنان است. استیمتنی هم که برای نمایشگاه نوشته شده بود، بسیار خوب بود و همه اینها باعث شد علاوه بر یکی، دو کار قبلی، سه کار جدید نیز برای نمایشگاه آماده کنم».

او افزود: «ابتدا ۱۲ برای برگزاری نمایشگاه در نظر گرفته شد اما بعدا نمایشگاه به تاریخ دوم بهمن منتقل شد تا نمایشگاه قبلی تمدید شود. کارت‌های دعوت و پوستر نمایشگاه ما چاپ شده که سه‌شنبه‌شب و سه روز قبل از افتتاحیه با من تماس گرفته و گفته شد به دلیل ضعیف‌بودن کارها و باکیفیت‌بودن آثار نمایشگاه قبلی، نمایشگاه ما لغو شده است».

بهبهانی عنوان کرد زمانی که این موضوع از سوی شاهین محمدی به او اعلام شده است، باور نکرده و برای تأیید آن با بابک اجاقی به‌عنوان یکی از مسئولان گالری تماس گرفته که او هم گفته است کارهای این نمایشگاه ضعیف هستند.

این نقاش ادامه داد: «چه کسی می‌تواند تأیید کند کارهای ما فاقد ارزش هنری هستند؟ آیا واقعا کسانی که این موضوع را اعلام کرده‌اند، کارشناس هنر و مرجع مناسبی برای این موضوع هستند؟ وقتی از عبارت «فاقد ارزش هنری» برای آثار افرادی استفاده می‌شود، باید دلیل آن هم گفته شود وگرنه تنها انگی به آثار هنرمند زده می‌شود که مجبور است تا مدت‌ها بابت آن هزینه بدهد».

با تمام این مسائل، نمایشگاه لغو شده بود اما ازآنجاکه کارت‌های دعوت را پخش کرده بودیم، پیشنهاد کردیم ساعتی که به‌عنوان مراسم افتتاح نمایشگاه ما درنظر گرفته شده است، درهای گالری بسته باشد اما این‌طور نشد. من در روز افتتاحیه به نمایشگاه رفتم و دیدم کارهای نمایشگاه قبلی روی دیوار است».

بهبهانی با بیان اینکه برای پیگیری این مسئله، شکایت کرده‌اند، گفت: «حدود یک میلیون تومان حداقل هزینه‌ای است که برای کارم پرداخت‌ام و هزینه‌هایی مانند رنگ و... را در نظر نگرفته‌ام. ضمن این‌که می‌خواستم یک نمایشگاه انفرادی در تابستان سال آینده برپا کنم که به دلیل وقت‌گذاشتن روی آثار این نمایشگاه، مجبور نمایشگاه را به پاییز

دستور دارند. اینجا می‌خواهند مملکت را ناامن نشان دهند. یک روز از دیوار سفارت بالا می‌روند، یک روز به خانم معتمدآریا اهانت می‌کنند. اینجا خودشان را جای مردم جا می‌زنند. اصلا اینها کی هستند؟ از کجا تحریک می‌شوند؟ مردم خانم معتمدآریا را دوست دارند؛ خانم، باشخصیت، انسان و هنرمند است. همین کارها را می‌کنند که در دنیا جور دیگری روی مردم ما حساب می‌کنند. چرا باید دنیا فکر کند که مردم ما خشن‌اند، به هنرمندان خودشان هم رحم نمی‌کنند. ولی ما که این‌طوری نیستیم، چرا نمی‌گذارند مردم دنیا ما را

یک اتفاق ساده

از قول یک راننده تاکسی برای خانم معتمدآریا

خوب بشناسند، میهمان‌نوازی ما کی این‌طوری بوده؟ مگر چهار کرده؟ میهمان‌نوازی این‌طوری است؟» و همین‌طور ادامه داد. گفت: «دیدنی خانم معتمدآریا چه مصاحبه‌ای کرد؟ دیدی چقدر بزرگوار است؟ چقدر مؤدب حرف زد. درس بود، درس».

خانم معتمدآریا! او شما را ندیده بود؛ ولی خوب می‌شناختان. می‌دانستم ولی دوباره دیدم محبوبیت شما تا کجاهاست که انسانیت و مهربانی تا کجاهای می‌توانند نفوذ کنند. برخوردی که شما بعد از این واقعه نشان دادید اثرش از هر چیز دیگری بیشتر به

نمایشگاه «هرگز زنی را نمی‌شناختم» برگزار نشد

لغویک نمایشگاه با چند روایت



موکول کنم».

درهمین‌حال شاهین محمدی که کیوریتوری نمایشگاه را برعهده داشته است، چند روز قبل در یادداشتی در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «سکوت لزوماً نشانه انفعال نیست؛ انتخابی هوشمندانه است برای به‌بارنشتن تلاش و حصول نتیجه. در باب لغو نمایشگاه توسط گالری نات در مؤسسه پرشش، هر چقدر تلاش کردم در فضایی آرام و بدون جنجال و حاشیه‌ساز با مسئله برخورد کنم و از این فضا دور باشم، اما برخی باوجود عدم درگیری‌ام با گالری، سوءاستفاده کرده و کمر به تخریب من و هنرمندان این نمایشگاه بسته‌اند».

او در ادامه این‌ متن عنوان کرد: «طرح این نمایشگاه و هنرمندانی که برای حضور در آن اعلام آمادگی کردند، در مهرماه به گالری ارائه شد و تاریخ یازدهم دی‌ماه تا بیستم این ماه درنظر گرفته شد. افراد مسئول می‌توانستند نمونه قبلی و فضای کار این هنرمندان را دیده و مخالفت خود را اعلام کنند که هیچ مخالفتی صورت نپذیرفت. در آذرماه به‌صورت کاملا اتفاقی مشخص شد بدون آنکه به اطلاع من و هنرمندان برسد، تاریخ نمایشگاه را برای آنکه نمایشگاه «بازگشت» در هجدهم دی ماه برگزار شود، به سوم اسفند ماه تغییر داده‌اند و با مخالفت من و هنرمندان تاریخ نمایشگاه به دوم بهمن ماه تغییر پیدا کرد. گالری تا این مدت آثار هنرمندان را طلب نکرد، تا روزی که تأکید برای دعوت را به من دادند و کارها را برای ارائه به وزارت ارشاد - نه برای لغو نمایشگاه- خواستند و من هم به این دلیل که وزارت ارشاد باید کارهای کامل را بررسی کند، اعلام کردم آثار نهایی را به آنها خواهم داد. این در حالی بود که هنرمندان آثار گوناگونی در طول این مدت خلق کردند و با نظر من گروهی از آثار انتخاب شدند».

او در شرح جزئیات پیش‌آمده اظهار کرد: «در تماشای ساعت ۱۶:۳۰ او روز سه‌شنبه با من جلسه‌ای ترتیب داده شد برای توجیه آثار هنرمندان و این در صورتی به وقوع پیوست که کیوریتور نمایشگاه «بازگشت»- که

یاد می‌ماند. اصلا فقط همان به یاد می‌ماند و بس. داشتم به مقصد می‌رسیدیم که پرسید: «شما خانم معتمدآریا را می‌بیند؟» گفتم گاهی بله. گفت: «تو را به خدا به ایشان بگویدی این برخوردها را به حساب ما نگذارند. بگوید ما شما را دوست داریم. خیلی هم دوست داریم. این کارها بیشتر شما را محبوب می‌کند. دلگیر نباشید. بگذارید به حساب نادانی، همین‌ها این کارها را سال‌هاست می‌کنند. به دل نگیرید...».صدایش را ضبط کردم. خواستم دراین‌باره چیزی بنویسم. دیدم شاید همین‌ها کفایت کند. پاینده باشید.

نمی‌دانم چرا به این تکاپو افتاده است تا من را زیر سؤال ببرد- ادعا کرده است ظهر همان روز خبر لغو نمایشگاه به او اعلام شده است و این‌ خود نشان می‌دهد تصمیم لغو نمایشگاه هیچ‌گونه ارتباطی به کیفیت آثار هنرمندان نداشته و تصمیم از قبل گرفته شده است. همین‌طور ایشان ادعا کرده‌اند که در تلاش بوده‌اند با من ارتباط برقرار کنند و «حرف‌های» راه‌حل بیایند و این در صورتی است که شماره و حتی آدرس من را تمامی افراد پرسش داشته‌اند. بدیهی است نمایشگاه در انتخاب و نمایش آثار تام‌الاختیار است و حساسیت درباره کیفیت آثار موضوعی بجا و درکش‌دنی است، اما نکته درخو توجّه این است که در صورت وجود چنین حساسیتی، در کمال تعجب در چهار ماه اخیر هیچ پیگیری‌ای از سوی گالری برای مشاهده آثار و گفت‌وگو پیرامون آن انجام نشد. جالب است فردی از مسئولان آن گالری که در زمینه هنر صاحب‌نظر نیست، ادعا کرده کارها آماده بوده است و هنرمندان تلاشی برای خلق آن نکرده‌اند و آثاری به‌دلیل شباهت فضا به آثار قبلی هنرمند، تکراری خوانده شده‌اند؛ اگر این گفته صحیح باشد و کارها قدیمی باشد اگر زودتر از من می‌خواستند، به‌آنها نشان می‌دادم، نه اینکه ادعا کنم کارها آماده نیست».

بابک اوجاقی، از مسئولان گالری نات نیز چندی‌قبل در توضیح دلیل لغو نمایشگاه به سایت «هنرگردی» گفت: «نمایشگاه مربوط به کیوریتور بوده و قاعدتا یک ماه پیش از نمایشگاه باید کارها را به ما نشان می‌دادند و ما بارها خواستیم کارها را به ما نشان دهند، [اما] به ما گفت کارها آماده نیست. ما هم نمی‌دانیم به چه دلیل آماده نبودند، چون خیلی از کارها از قبل کشیده شده بود. چیزی که به ما گفته شد، این بود که کارها برای این نمایشگاه کشیده می‌شوند، نه اینکه هنرمندان در خانه‌شان کارها را آماده دارند. سه روز پیش از برگزاری نمایشگاه کارها برای ما ارسال شد. تاریخ ایمیلیش هم موجود است و ما همان روز تماس گرفتیم و نمایشگاه را کنسل کردیم. همین‌طور قبلا هم اعلام کرده بودیم اگر کارها ارزش هنری نداشته باشند، روی دیوار نمی‌روند. در این مدت هم ما ضرر کردیم، نه آنها. چون برخلاف گفته کیوریتور، کارها در خانه‌شان آماده بوده و این ما بودیم که برای تبلیغ هزینه کردیم».

پاسخ ارشاد

همچنین اوجاقی به «شرق» گفت کارها از سوی کیوریتور دیر به دست آنها رسیده و مجوز ارشاد هم نداشته است. او همچنین تمایلی به رسانه‌ای‌شدن این موضوع نداشت و گفت بحث راجع به این نمایشگاه در ارشاد نیز به اتمام رسیده و خبرنگار «شرق» نیز توضیح کرد بهتر است پیگیر این موضوع نباشد.
باین‌حال مجید ملانوروزی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد، با تأیید اینکه گالری‌ها برای برگزاری نمایشگاه نیازی به مجوز جداگانه برای هر نمایشگاه ندارند، به «شرق» گفت: «گالری‌ها به مجوز جداگانه برای هر نمایشگاه نیاز ندارند. اما گاهی گالری‌داران درباره آثار یک نمایشگاه با هنرمندانی که در نظر دارند از او نمایشگاهی برپا کنند، مشورت‌هایی می‌کنند، در غیر این، ما تشخیص صلاحیت کارها را برعهده خود گالری‌داران گذاشته‌ایم». او درباره رسیدگی به پرونده‌هایی مانند نمایشگاه «هرگز زنی را نمی‌شناختم»، عنوان کرد: «معمولا تغییر زمان برپایی یک نمایشگاه با لغو آن، یک اعتبار منفی برای خود گالری محسوب می‌شود. اما اگر هنرمند برای هزینه مادی و زمانی که برای حضور در یک نمایشگاه لغو شده به ما مراجعه کند، به آن رسیدگی می‌کنیم، در غیر این صورت بررسی این موضوع به کیوریتور برمی‌گردد، چراکه او گردآورنده آثار بوده است. اما دراین‌باره ما نگفته‌ایم بحث تمام شده یا لزوما درخواست مجوزی برای نمایشگاه نکرده‌ایم».

همواره به بررسی تحولات اجتماعی می‌پردازد و سینمای ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. نیاز به ساخت فیلم‌های امیدبخش داریم و جامعه با دیدن فیلم‌های امیدبخش باید باور کند که آینده بهتری در انتظارشان است».

ریبعی در بخشی از سخنان خود به دغدغه‌های رئیس‌جمهور مبنی‌بر گسترش فرهنگ، هنر و به‌خصوص سینما اشاره کرد و گفت: «من یقین دارم که دکتر روحانی به حاشیه‌های امیدبخش توجّه به هنر و سینما آگاه است. شاید آن‌گونه که انتظار داریم نتوانستند در کنار سینما حضور داشته باشند که به نظر من این عدم حضور به‌خاطر محدودیت‌های بسیار و کمبود زمان رئیس‌جمهور است. چون دولت تدبیر و امید در مسیری افتاده که شاید سال‌های‌سال را بدین طی کند تا به یک توازن دست یابد». وزیر‌کار در پایان با ذکر خاطره‌ای از رسول ملاقلی‌پور، از او به نیکی یاد کرد. پس از آن یک تپک تولد با حضور دبیران دوره‌های قبلی جشنواره بریده شد. محمد حیدری در گفت‌وگو با «شرق» علت کم‌بودن پنج فیلم برگزیده در مجموعه «بر بال سیمرغ» را چنین عنوان کرد: «خوشحالم که از مجموعه آثار سه دوره جشنواره فیلم فجر فیلمی به‌عنوان برگزیده معرفی نشد. در دوره اول هم به دلیل اینکه قطع فیلم «درس» ۱۶ میلی‌متری بود، نتوانستیم به اصل نسخه دسترسی پیدا کنیم. ضمنا از آنجا که فیلم «استرداد» هم هنوز رایت آن به شبکه نمایش خانگی واگذار نشده، تهیه‌کنندگان فیلم با انتشار نسخه فیلم در این بسته فرهنگی مخالفت کردند».

خبرسازان

ادامه واکنش‌ها به حواشی حضور «معتمدآریا» در کاشان

● **شرق**: پس از اتفاقاتی که یکشنبه هفته گذشته در کاشان برای فاطمه معتمدآریا رخ داد و عده‌ای از دلواپسان با بی‌احترامی و اغتشاش، مراسم نقد فیلم «پچی سکوت نکرد» را با حضور فاطمه معتمدآریا برهم زدند، هنرمندان و مسئولان مختلف نسبت به این‌ هنک حرمت واکنش نشان دادند. علی جنتی اعتراض کرد، میرکرمی به امام‌جمعه کاشان نامه نوشت و در آخرین واکنش‌ها، شهیندخت مولاوردی، مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان، حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی و سیدمحمد بهشتی از مدیران سابق سینمایی و عضو شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری نیز نسبت به این‌ حادثه بی‌تفاوت نبوده‌اند. حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی نیز اتفاقات یکشنبه پیش کاشان را چنین متهم کرد: «جمهوری اسلامی ایران پرجم گفت‌وگو را در جهان برافراشته. جهان خسته از بی‌منطقی و جنگ، از ایران اسلامی آیین سخن‌گفتن می‌آموزد؛ و جای تأسّف است که در سرزمین سخن، در سرزمین جادلهم باتنی هی احسن، ساز دشنام و بی‌منطقی کوک شود و فریاد جهل بر سر بانوی مهربان سینمای ایران، معتمدآریا، کشیده شود. بی‌گمان اقدامات خودسرانه این‌گونه، ضد منافع ملی و رویارویی با آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی است. بالاخرن از دیوارهای سیاست و فرهنگ در این روزگار، تنهاوتنها خوش‌خدمتی به زخم‌خورده‌های صهیونی و سعودی است. از همه حقوق قانونی خود برای پیگیری آنچه در شهر کاشان گذشت بهره خواهیم گرفت تا راه بر بی‌قانونی و رفتارهای غیردینی این‌گونه برای همیشه بسته شود».

شهیندخت مولاوردی، مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان نیز در کانال تلگرامی خود پیرامون حواشی پیش‌آمده برای فاطمه معتمدآریا در کاشان نوشت: «چند روزی از حرکت غیرفرهنگی و برخورد توهین‌آمیز و تهاجمی و توأم با الفاظ ناشایستی که در شرع و قانون ما مصداق بارز تهمت و افترا محسوب می‌شود با یکی از هنرمندان برجسته و افتخارآفرین کشور که این روزها آوازه هنرنمایی‌اش به فراوسى مرزها کشیده شده است، در شهر کاشان می‌گذرد.

معترضان به حضور بانو فاطمه معتمدآریا که به بهانه نمایش یکی از فیلم‌هایش در شرکت در جلسه نقد و بررسی آن به آن شهر سفر کرده بود به‌جای گفت‌وگو زبان خشونت را برگزیدند و خواستار خروج او از کاشان شدند. با تأمل در این قضیه و رفتارهایی منسابه که برخی پیشه خود ساخته‌اند، سؤال‌های زیادی ذهن را به خود مشغول می‌کند: آیا نسل‌های قبل از ما و نیاکمانان چنین رفتاری بسر میهمان را روا می‌گذاشتند؟ ما که در میهمان‌نوازی هنوز شهره خاص و عام در عالم هستیم به کجا چنین شتابان در حرکتیم؟

با کدام مجوز شرعی و قانونی چنین بی‌مهابا یک زن مسلمان ایرانی مورد بی‌احترامی و توهین، آن‌هم تحت لواء دفاع از ارزش‌های دینی، قرار می‌گیرد؟ حتی عرف جامعه ایرانی نیز چنین رفتاری را با زنان برنمی‌تابد.

آیا راه بر معترضان برای شرکت در جلسه بررسی و نقد فیلم بسته بود و نتوانستند مجالی برای طرح دیدگاه‌های خود بیابند یا مصلحت و منفعت و ترجیحشان بر این بوده و هست که راه فریاد و خشونت را در پیش گیرند؟ آیا همین رفتارهای دفععی و سلبی (در کنار سایر عوامل) در آینده زمینه‌ساز خروج تعداد بیشتری از هنرمندان جوان از کشور و پیوستن آنها به شبکه‌های ماهواره‌ای خواهد بود؟ و ده‌ها سؤال بی‌پاسخ دیگر.

سپیدیه و مطلوب آن است که اعمال ما تبلور و آینه‌ای باروها و اعتقاداتمان باشد. بیایم با تاسی به آموزه‌های دینی‌مان با عمل خود مردم را به دین خدا دعوت کنیم نه با زبان و شعار؛ که «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِحَيْرِ السُّنَّتِمْ».

زیر آسمان فیروزه‌ای

هفته فرهنگی «تالش» برگزار شد

● **شرق**: هفته فرهنگی «تالش» هفته پایانی دی در فهرسگرا و پارک اندیشه برگزار شد. عادل مزاری، رئیس‌دیپرخانه کمیسیون فرهنگی و اجتماعی کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها، به بهانه برگزاری این هفته فرهنگی در پایتخت، گفت: «تهران یک ایران کوچک است؛ اگر تمام استان‌ها سوابق فرهنگی، سنت‌ها، آیین‌ها، مفاه، شعر و ادب، هنر، موسیقی، تئاتر، صنایع دستی و... و هرچیزی را که بتواند در حوزه فرهنگی و هنری تعریف کرد، در تهران به نمایش بگذارند، از این طریق نسل جدید با توانمندی‌های فرهنگی هر نقطه از کشور آشنا می‌شوند. در این زمانی که فرهنگ بیگانه هجوم آورده و جوان‌های ما را تحت‌تأثیر خود قرار داده، اگر بتوانیم فرهنگ سنتی‌مان را به‌ویژه در حوزه‌های مورد علاقه جوان‌ها از قبیل موسیقی، تئاتر و سایر جاذبه‌های هنری در قالب هفته‌های فرهنگی ایجاد کنیم، بسیار باارزش و حائزاهمیت خواهد بود». درحال‌حاضر هم هفته فرهنگی گیلان، با عنوان تالش و دیلمان برگزار شده است». گفتنی است جلسات مقدماتی برگزاری هفته فرهنگی خوزستان، کردستان و زنجان در حال برگزاری است.